

# طاق بسطان

( بقیه از شماره ۲ )

نگارش آقای فضل‌الله حقیق

لیسانسبه دانشسرای عالی

در بارهٔ صحت انتساب حجاربه‌های ابن طاق که ۱۰۰ تا قابل مقایسه با حجاربه‌های دوطاق دیگر بلکه قابل مقایسه با هیچیک از آثار حجاری دورهٔ ساسانی نیست بین مستشرقین و اروپائیان که بایران آمده‌اند اختلاف است لرد کرزن «Curzon» معروف انگلیسی در کتاب بسیار مفیدی که بنام ( ایران و مسئلهٔ ایران ) نوشته گوید با مقایسهٔ حجاربه‌های اوایل و اواسط دورهٔ ساسانی که در بهلوی او واقعه شده‌اند نمیتوان باور کرد که این قدرت و زبردستی را استادان ایرانی نموده باشند بلکه بر اثر دوستی بین خسرو پرویز و امپراطور رم بار امپراطور اخیر «وریس» معماران رومی در ساختن ابن طاق کمک کرده‌اند ، و پادریان اسرای رومی کسانی بوده‌اند که از این فن اطلاع داشته و ایرانیان را کمک فکری و عملی نموده‌اند .

بطوریکه دیدیم با قوت سازندهٔ آثار ابن طاق را یکی از استادان زبردست ایران عهد خسرو پرویز یعنی قیطوس بن نسمار میدانند و راولینسن؟ مستشرق معروف انگلیسی در کتاب مفید و جامعی که

## ۱ - Persia and Persia question

۲ - سرهانری راولینسن «Sir Henry Rawlinson» یکی از بزرگترین مستشرقین و ایران شناسان معروف است که ابتدا بشغل سربازی میگذرانده و اندکی بعد یعنی در سال ۱۸۲۷ میلادی از طرف دولت انگلیس ریاست دسته‌ای برای حفظ کتیبه‌های هند شرقی باین سرزمین آمد و در مدت شش سال توقف خود درین مملکت کلاً از زبان فارسی را بیاموخت و چون در ۱۸۳۳ میلادی یعنی پس از معاهدهٔ ترکمان چای دولت ایران برای اصلاح قشون خود از دولت انگلیس تقاضای چند نفر صاحب‌منصب نمود راولینسن بمعیت چند تن بایران آمد و قریب دو سال بخواندن خطوط میخی کتیبهٔ بیستون که شیفته و مفتون آن شده بود مشغول گردید ولی ناگهان بر اثر بروز اختلافی بین ایران و انگلیس مجبور شد ایران را ترک گوید و کمی بعد برای انجام منظور خویش داخل ادارهٔ سیاسی عراق گردید و دوباره خود را به بیستون رساند و با وجود هزاران انواع و خطرات جانی بوسیلهٔ اسبابی که از چوب ساخته بود بالای کوه بیستون رفت و نتیجهٔ مطالعات خود را راجع بخطوط میخی ضبط نمود و اندکی بعد در بغداد با گروتفند «Grotfend» مستشرق معروف آلمانی که زحمات زیادی راجع بکشف خطوط میخی کشیده بود جلساتی تشکیل داده و بالاخره بکمک یکدیگر الفباء مشکل این خط را کشف نمودند. راولینسن بزرگترین شخصی است که راجع بتاریخ ایران قدیم زحمات فراوان کشیده و او مؤلف ۷ جلد تاریخ است که سه جلد آن راجع بتاریخ ایران قدیم می باشد . این مرد بزرگ در سنه ۱۸۹۵ میلادی در لندن درگذشت و جهانیان سیاسگدار کشفیات اوست .

راجع بتاریخ ساسانیان نوشته گوید: «مقتیده من آثار ساسانیان متعلق به عهد باشد بطور عمده کار خود ایرانیهاست.» در اینکه این آثار کار خود ایرانیان است هیچ شکی نیست ولی در مورد این آثار قسمت دوم از رأی اردکرزن را باشواهد زیادی که در دست است باید تصدیق نمود.

پهلوی این طاق بزرگ طاق کوچکی واقع شده که حجاریهای آن متعلق با واسط دوره ساسانی است و چندان لطف و گیرندگی ندارد. راجع بصاحبان این تصاویر بین مورخین و نویسندگان اختلاف زیاد بود جمعی ایندورا شاهیور سوم و بهرام چهارم و برخی شاهیور اول و هرمز اول میخواندند. در این اطاق دو کتیبه بخط پهلوی یافت میشود که دساسی عالم شهر و زبردست و رانسه در ادبیات و خط پهلوی آنرا خواننده و از روی آن ترجمه در یافته است که یکی از ایندوتن شاهیور دوم ملقب به ذوالاکتاف یا شاهیور کبیر است و دیگری بهرام چهارم.

ولی عموم مستشرقین بعد آندورا شاهیور کبیر و فرزندش شاهیور سوم دوازدهمین پادشاه ساسانی خواندهاند بدین ترتیب:

پانکلی زانی مز دین شاهیا شاهیوری ملکان ملکا ایران و آئیران مینوجیتری  
مین یزدان باری مز دین شاهیا اهور مز دی ملکان ملکا ایران و آئیران  
مینوجیتری مین یزدان نابی شاهیا نار شهری ملکان ملکا - ترجمه آن اینست:

### کتیبه اول

این صورت بنده خدای شاهیور عزیز شاهنشاه ایران و غیر ایران از سلسله آسمانی پسر بنده خدای هرمزد عزیز شاهنشاه ایران و غیر ایران از سلسله آسمانی نوه بزرگ شاهنشاه نرسی عزیز است. پانکلی مز دین شاهیا شاهیوری ملکان ملکا ایران و آئیران مینوجیتری مین یزدان باری مز دین شاهیا شاهیوری ملکان ملکا ایران و آئیران مینوجیتری نابی شاهیا اهور مز دی ملکان ملکا - که ترجمه اش اینست:

### کتیبه دوم

این صورت بنده خدای شاهیور عزیز شاهنشاه ایران و غیر ایران از سلسله آسمانی پسر بنده خدای شاهیور عزیز شاهنشاه ایران و غیر ایران از سلسله آسمانی نوه شاهنشاه است. بامراجعه بتاریخ ساسانی صحت کامل این ترجمه بخوبی مشهود میگردد زیرا شاهیور دوم پسر هرمز دوم و نوه نرسی پادشاه ساسانی است و در کتیبه دوم کسیکه پسر شاهیور بزرگ و نوه نرسی و نام خودش هم شاهیور باشد هیچکس بجز شاهیور سوم پسر شاهیور ذوالاکتاف نیست.

غیر از این دو طاق بیرون سطح بنده کوه تصاویری نقش شده است که از حجاریهای اوایل ساسانی و متعلق بسلاطین اولیه این سلسله است. در این محل تصویر چهار تن رسم شده که دوتن از آنها لباس سلطنتی پوشیده اند و حلقه‌های را که علامت اتحاد و صمیمیت است در دست گرفته‌اند و یک نفر را در زیر پای خود لگد کوب میکنند و شخص چهارمی یک شخص محترم مذهب زردشتی است که ایستاده و نور از اطراف سر او تابان است.

راجع باین اشکال نیز اختلاف عقاید بسیار است و چون متأسفانه مانند طاق قبلی کتیبه‌ای ندارد همه گونه حدس درباره آن زده میشود. عده‌ای آندو پادشاه را شاهیور اول و نرسی و آن مرد نورانی را زردشت دانند و شخص زیر بافتاده را والرین امپراطور روم با اشاره بروان دولت روم خوانند و برخی آندو پادشاه را اردشیر اول و شاهیور و آن شخص نورانی را اهور مزدا و مرد زیر بافتاده را آخرین

شاه اشکانی گویند و معدودی آمدند زیرا افتاده را اشاره بنصایح اردشیر بابکان بشاپور اول در کشتن هوای نفس می دانند .

حقیقت آنست که ایندو پادشاه یکی اردشیر بابکان مؤسس دولت با عظمت ساسانیان و آن دیگری فرزندش شاهپور اول شاهنشاه کیتی نشان ساسانی است زیرا هیچگونه تماسی بین شاهپور اول دومین پادشاه با نرسی هفتمین پادشاه ساسانی نیست بلکه بموجب نوشته‌های ایرانی اردشیر بابکان اندکی قبل از مرگ سلطنت را بیسرش شاپور وا گذاشته و خود باقیمانده عمر را براحات و مشاهده طرز جهانداری فرزندش گذرانده است .

در این طاق اردشیر بابکان تاج سلطنت را در حضور آرتا ویراف مشهورترین و بزرگترین روحانیین مذهب زردشتی زمان خود بیسرش تقدیم میدارد و این مرد مجلل مذهبی بانظر محبت و احترام بگردانیک ایندو پادشاه می نگردد. شخص زیر بافتاده بی شک «Artabanus» یا اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانی است که میانه بدنش بکلی محوشده است .

در سال ۲۲۴ میلادی اردشیر بابکان در هر مزدگان خوزستان اردوان پنجم را مغلوب و مقتول و سلسله اشکانی را منقرض ساخت و مانند اکثر سلاطین بزرگ دست بیک رشته اصلاحات زد. اولین و بزرگترین اقدام ادرسی نمودن مذهب زردشت و جمع آوری کتاب اوستا و اشاعه این مذهب در تمام ایران بود زیرا تسلط اسکندر و ساوکیها صدمات فراوان بکیش زردشتی وارد ساخته بود - اسکندر وقتی ایران را تصرف نمود هر دو نسخه اوستا را در تخت جمشید و کنج شایگان ازین برد و اشکانیان نیز که خیدرا هواخواه یونان میدانستند بر روی مسکوکات خود از اینکه خود را فیلهلن یا دوست دار یونان «Philhellène» بخوانند افتخار داشتند. بجای پرستش مهر داهورامزدا بپرستش خدایان یونانی مانند آپولون «Appolon» (رب النوع آفتاب) پالاس «Palass» (خدای جنگ) و زئوس مشهورترین خدایان آنها پرداختند و حتی تصاویر خدایان دو گانه اول را بر روی مسکوکات خود نقش میساختند. همین امر یعنی پرستش خدایان بیکانه و دشمن بدست سلاطین اشکانی تفرشدیدی در ایرانیان نسبت بایشان تولید کرد و اتفاقاً بلاش اول اشکانی متوجه این تفرع و می گردید و پیران سالجورده ایران را کرد آورد و آنچه از کتاب اوستا در سینه‌های ایشان محفوظ و از پدر بیسر رسیده بود جمع آوری نمود و گرچه تاحدی رضای خاطر ایرانیان را فراهم ساخت ولی از عهده انجام این مهم بر نیامد و قرعه این نیک بنام اردشیر بابکان و فرزندش شاهپور اول اصابت کرد .

بزرگترین اقدام اردشیر آن بود که دین و دولت را با هم توأم کرد زیرا معتقد بود که ایندو با هم پیوند و بستگی کامل دارند و یکی بی دیگری پایدار نمیمانند. اردشیر نه تنها باحیای کیش زردشتی پرداخت بلکه در تعیین طبقات مردم مانند شاه عباس کبیر روحانیین را بزرگترین مقام طبقاتی ارتقاء داد و این جماعت که برجسته ترین مردم مملکت بودند به سعادت پادشاه بتعقیب مردم مرتد و انتشار مذهب زردشتی و وضع قواعد و دستورات مذهبی پرداختند و اردشیر از میان چهار هزار نفر روحانی زردشتی یکی از ایشان را که از حیث علم و اطلاع سرآمد دیگران بود بنام ارتا ویراف ریاست مذهب زردشتی داد و این روحانی مشهور مؤلف کتابی است که به ارتا ویراف نامک مشهور و در آن از اختلال مذهب زردشتی بر اثر استیلای یونان و احیای آن مذهب بدست ساسانیان گفتگو کرده است .

در تصویر این طاق که باید آنرا تاج بخشی اردشیر بابکان پشاور دانست ارتا ویراف بزرگترین روحانیون زردشتی عهد اردشیر (و بدس معدودی زردشت پیغمبر) ایستاده و شاهد اقدام ایندو پادشاه است. دورسرا بنرد مجال و مذهبی امواج نور از همه طرف تابش میکند (باید دانست که مردم شیعی مذهب ایران نورانی ساختن دور سر ائمه را از این تصویر تقلید کرده اند) زیر پای ارتا ویراف تصویر یک گل آفتاب گردان در سنگ حجاری شده و این خود دلیل علاقمندی کامل ایرانیان قدیم بمذهب میترائیسم (مهرپرستی) است و چون گل آفتاب گردان شبیه بقصر آفتاب است از این جهت مورد پرستش ایرانیان قدیم واقع شده است.

این آثار بزرگ تاریخی که هر سه آنها متعلق بدوره ساسانی و چنانکه دیدیم نمونه صنعت حجاری اوایل و اواسط و اواخر دوره ساسانیان است هر کدام بعلی سالم نمانده و روز بروز بیشتر مورد تهدید طبیعت و مردم وحشی واقع میگرددند.

در طاق بزرگ که صورت پرویز و شید بزرگ آن رسم شده است هنوز هم آب از درون کوه بر اثر منابع بزرگ یخ تراوش میکند و بر اثر همین تراوش آب که با املاح آهکی کوه مخلوط است نه تنها روی تصاویر مذکور کثیف و گرفته شده است بلکه ریزش آب از نقطه بلندی بروی این حجاریها با آنکه خیالی محکم هستند معذا آسیب خود را از حیث سوراخ نمودن دیوار اطاق و قسمتی از تصاویر می رساند و تمام مجسمه موریس که در بالا در طرف چپ خسرو واقع شده بر اثر نزدیکی این منتهذمیشه پراز و طوبت است. سیمانها و مصالحی که در تعمیر ستونها و سایر نقاط این طاق بکار رفته با آنکه خیالی محکم بوده است بعلت نفوذ شدید بخیزالهای داخل کوه پایدار نمانده فرو می ریزد و این امر هیچ چاره ندارد جز آنکه رشته اتصال کوهستانهای پشت این طاق را با خود طاق قطع کنند.

غیر از این آثار دوسرستون سنگی که کنار استخر گذاشته شده و یک مجسمه سنگی ژوئیتز که تا ۷۰ سال پیش زیر استخر و در زیر خاکها مخفی بوده و به «گل جوهر» موسوم و اینک مقابل دریاچه و در کنار جاده کرمانشاهان به کردستان واقع است موجود است هنوز هم شهرت دارد که اگر اد و الوار از شدت ایوان و علاقه این مجسمه که از کثرت اصابت گلوله تفنگ و توپ روسها بآن هیچ يك از اعضای بدن معلوم نیست هر وقت مبتلا بناخوشی تب یا نوبه ای میشوند مقداری این نذورات و جمعی از آنها از شدت سادگی قدری از بقولات دریای آن می ریزند و اکثر بسبب ایمان ساده قایب شفا یافته می روند.

در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه عمادالدوله حکمران کرمانشاهان در کنار این طاقهای سنگی حوضخانه ای ساخته و بر روی آن یک عمارت سه طبقه بنا نموده و جو بهائی تشکیل داده است که محل بسیار مناسبی برای تفریح و تفرج عمومی است.

\*\*\*

این آثار پرازشکوه و جلال دوره ساسانی که معرف بکدوره از عظمت و شهادت نژاد ایرانی و خیره کننده چشم انسانی است با آسیب طبیعت و تعرضات مردم متعصب وحشی کم کم راه زوال و نیستی پیش می گرفت و عمال حکام قاجاریه چه در اصفهان و چه در اینجا و جاهای دیگر آنچه توانستند این مفاخر بزرگ ملی و نژادی را بانیست و نابود ساخته و یا نقص و تعرض و آسیبی بر آن و در

ساختند و هیچکس نبود که بحفظ این شاهکارهای تمدن ایرانی اظهار علاقه‌مندی کنند و یا از سرشور ایرانیّت برترمیم و حفظ آنها بپردازد.

در شهریور ماه ۱۳۱۳ که حضرت اشرف آقای حکمت وزیر خردمند و دانش پرور معارف برای سرکشی به‌عارف غرب و اصلاحات و دفع نواقص آن تشریف فرمای کرمانشاهان گردیدند از مشاهده این وضع تأسف بار مخصوصاً شکف‌هایی که در طاق بزرگ یعنی در بهترین این آثار پیدا شده بود و نفوذ آب بر اثر یخچال‌های کوه طاق بستان که سبب انهدام این آثار می‌گردید بسیار متأسف گردیدند و بر اثر اقدامات مجدانه معظم‌له مبلغ پنج‌هزار تومان که سه هزار تومان آن از اعتبار دولت و دو هزار تومان از اعتبار اوقاف کرمانشاهان بود بصرف تعمیر و حفظ و نگاهداری این آثار رسید و ساختن دیوارهای چهارطرف و درب‌های ورود و تعمیر روی کوه برای عدم سرایت آب و ساختمان محکم یک طرف استخر و جویهای بسیار قشنگ آن با این مبلغ تمام شد ولی سه طرف دیگر استخر و کل کاری و سایر چیزهای آن احتیاج به‌مبلغ مقداری دیگر دارد. بدیهی است که باعزم و همت ایشان این نواقص کوچک هم برطرف خواهد شد و این نیک‌نامی تاریخی پایدار و جاویدان خواهد ماند.

## ساختمان عمارات دانشگاه

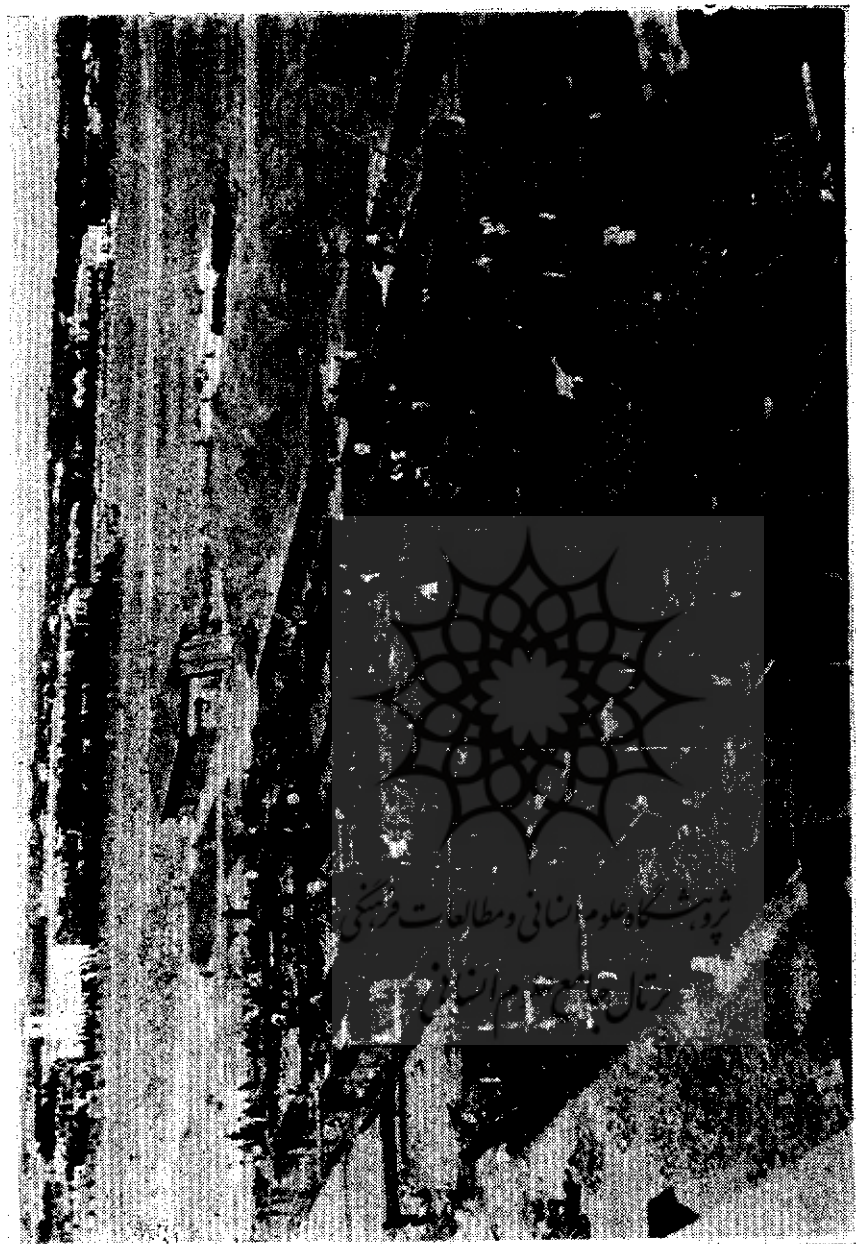
### و موزه

ساختمان دانشگاه طهران که از سال پیش در اراضی جلالیه شروع شده است و قسمتی از آن یعنی بنای تالار تشریح چندی پیش با تمام رسیده بود (رجوع شود بشماره ۱۱ سال چهارم مجله) بسرعت پیش می‌رود و مخصوصاً ساختمان قسمت عمده دانشکده طب و متعلقات آن پیشرفت بسیار کرده است.

همچنین قسمت مهمی از عمارت جدید موزه که بنای آن از سال گذشته در ضلع غربی باغ‌ملی آغاز شده بود و نقشه آن سابقاً در این مجله از نظر خوانندگان گذشته است ساخته شده است و امید کامل می‌رود که تا آخر سال بنای موزه بانجام رسد.

در صفحات بعد تصاویری از عمارت دانشگاه و موزه که در حال ساختمان است

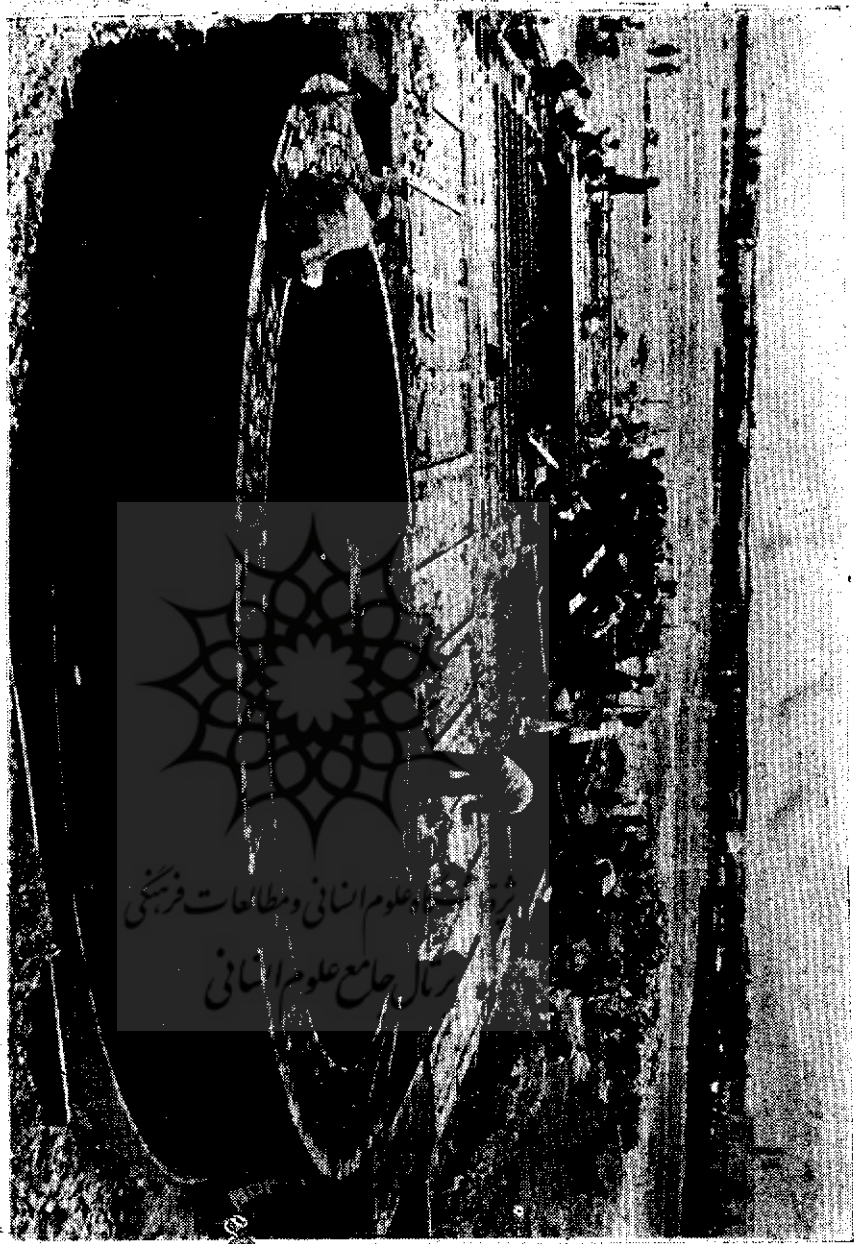
دیده می‌شود.



منظره دیدگر از ساختمان بنای دانشگاه طهران

موسسه کارشناسی و مطالعات تاریخی  
سال پنجم ۱۳۵۷





گروهی از بنای دانشگاه

موسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مركز جامع علوم انسانی